

یادداشت

ضرورت درمان قربانیان آزار جنسی

مریم رامشت*

بخت سوه‌استفاده جنسی از کودکان و نوجوانان یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های اجتماعی است. آثاری که چنین اتفاقی در روح و روان قربانی به جا می‌گذارد گاه چنان عمیق است که اثرات آن تا پایان عمر همراه فرد خواهد بود. زمانی که فرد در اثر یک حادثه دچار اضطراب بیش از حد می‌شود این اضطراب به شدت روی افکار، احساسات و شرایط جسمانی او تأثیر می‌گذارد. چنین فردی باید از سوی اطرافیان مورد حمایت قرار گیرد، اما در جامعه ما چون این افراد به خاطر آبرو نمی‌توانند موضوع را بازگو کنند جنبه‌های حمایتی نیز برای‌شان وجود ندارد یا اینکه بسیار کم‌رنگ و کم اثر است. قربانیان آزار جنسی و خانواده‌های آنها تلاش می‌کنند موضوع را پنهان یا کتمان کنند. در چنین شرایطی فرد در خود احساس گناه بیشتری می‌کند. کودکان و نوجوانان به دلیل باروری ناکافی ذهنی، خودشان از مقصر قلمداد می‌کنند و احساس تحقیر و کوتاهی به آنها دست می‌دهد. آنها ممکن است از سوی خانواده سرزنش شوند که اگر مراقب بودی، این اتفاق نمی‌افتاد. این اظهارات عرصه را بر قربانی تنگ‌تر می‌کند و در صورتی که اطرافیان نیز چنین حمایتی خود را بر او نگس‌ترانند این مشکل حادتر می‌شود. کودکان در این شرایط دچار احساسات تعارض‌گونه‌ای می‌شوند و اضطراب‌شان به شدت تشدید می‌شود. این در حالی است که به دلیل پنهان کاری‌ها فرصت‌های موجود برای حمایت و بازسازی فرد آسیب‌دیده یکی پس از دیگری از دست می‌رود. تمام این کارها با سرپوش حفظ آبرو انجام می‌شود اما همین کار آسیب‌های جبران‌ناپذیری را در فرد ایجاد می‌کند. فرد قربانی در این موقعیت خشم و عصبانیت را در خود درونی می‌کند و فرصت بروز دادن این احساس را نمی‌یابد، اما ممکن است در آینده خشم او طغیان کند و فرد دیگری را ببلعد. مرور بسیاری از پرونده‌های تجاوز نشان می‌دهد فرد متجاوز خود زمانی مورد شکنجه و آزار قرار گرفته و سال‌ها بعد خشم درونی‌اش باعث شده فرد دیگری را قربانی کند. صرف‌فطن از چنین موقعیت‌هایی فرد آسیب‌دیده باید تحت حمایت نهادهای متولی رفاه روانی و اجتماعی قرار گیرد. متأسفانه هنوز در جامعه ما سازمانی که به‌طور تخصصی به این موارد رسیدگی کند، وجود ندارد. در نتیجه فرد کاملاً رها می‌شود. در خانواده هم وضعیت مشخص است و فرد قربانی مدام سرزنش می‌شود. قربانیان چنین وقایعی از همان دوران باید تحت حمایت‌های درمانی ویژه قرار گیرند. روان‌شناسان و روانپزشکان از جمله افرادی هستند که می‌توانند کمک زیادی به قربانیان کنند تا هیجانات و آسیب‌های آنها کاهش یابد. این نوع درمان حلقهٔ معقوده‌ای است که جامعه از آن غافل است. حال آنکه باید این باور ایجاد شود که قربانیان بیمار هستند و نیاز دارند به آنها کمک شود. در کنار موارد گفته شده این موضوع نیز مورد غفلت واقع شده که اگر فردی دچار چنین آسیبی شد باید با وی چگونه برخورد کرد. این موضوع درباره دختران حادث‌ر است و خانواده‌ا آنها را مقصر اصلی می‌دانند. به همین دلیل آموزش به افراد نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای دارد. در عین حال آموزش این نکته که کودکان و نوجوانان در چنین شرایطی چگونه می‌توانند از خودحفاظت کنند نیز از دیگر موارد مهم است چرا که هرچقدر فرد نسبت به این مسائل آگاہتر باشد احتمال آسیب‌پذیر بودن وی نیز کمتر است.

*روان‌شناس

حادثه‌ها

آتش در بازار تهران



■**شرق:** بخشی از یک پاساژ در بازار تهران صبح دیروز طعمه حریق شد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران این حادثه ساعت ۹:۰۹ صبح دیروز رخ داد و امدادگران بعد از رسیدن به محل مشاهده کردند، آتش‌سوزی ابتدا در یک نوشت افزار فروشی در طبقه سوم پاساژ مجید واقع در انتهای بازار بین‌الحرمین آغاز شده و به دو فروشگاه دیگر هم سرایت کرده است. آتش‌نشنان با آغاز عملیات اطفای از گسترش آتش‌سوزی جلوگیری کردند و حدود ساعت ۱۱:۳۰ این آتش‌سوزی به صورت کامل خاموش شد. بنابر این گزارش، میزان خسارت و علت وقوع این حادثه از سوی کارشناسان آتش‌نشانی در حال بررسی است.

سقوط بالگرد ارتش در اصفهان

■ **واحد مرکزی خبر:** یک فروند بالگرد متعلق به ارتش دیروز در اصفهان سقوط کرد. معاون سیاسی-امنیتی استانداری اصفهان گفت: این بالگرد هوانیروز ارتش از نوع کبری ۲۰۹ متعلق به مرکز آموزش شهید وطن‌پور، ساعت ۱۰:۳۰ صبح دیروز بر فراز آسمان و در فاصله چندمتری ساختمان‌های مسکونی در حوالی شهر جدید پهلرستان آتش گرفت و با تغییر مسیر ناگهانی، در زمین‌های کشاورزی روستای کچی قلعه‌شور اصفهان سقوط کرد. محمدمهدی اسماعیلی، علت این سانحه را نقص فنش اعلام کرد و گفت: این سانحه خلبان و کمک‌خلبان بالگرد جان باختند.

شرق: مرد ورشکسته برای اینکه شرکتش را از تعطیلی نجات بدهد، دست به گروگانگیری یک میلیارد تومانی زد.

به گزارش خبرنگار ماه‌زنی میانسال که از مفقود شدن برادر ۵۳ ساله‌اش نگران بود، ساعت ۲۴ روز ۳۰ فروردین به اداره آگاهی رفت و از کارآگاهان کمک خواست. او گفت: «حمید امروز ساعت ۲۱:۳۰ از محل کارش در خیابان سهروردی خارج شد تا به خانه‌اش در نیابوران برود اما تا این لحظه به مقصد نرسیده و فقط در یک تماس تلفنی کوتاه به من گفت به یک میلیارد تومان پول نقد نیاز دارد و باید حداکثر تا ۲۴ ساعت آینده این مبلغ فراهم شود.» گفته‌های این زن، احتمال وقوع آدم‌ربایی را به ذهن متبادر می‌کرد. به همین دلیل کارآگاهان آموزش‌های لازم را به خواهر حمید ارایه دادند و از او خواستند هر خبری که شد به آنها اطلاع بدهد. یک روز بعد زن میانسال به تلفن فردناشناسی جواب داد که ادعا می‌کرد حمید نزد وی اسیر است. مرد آدم‌ربا با تهدید سعی کرد خواهر گروگان‌ش را تحت فشار بگذارد تا هر چه زودتر به یک میلیارد تومان برسد. او گفت تا وقتی این پول را دریافت نکند، حمید را آزاد نخواهد کرد. چند ساعت بعد از این مکالمه در حالی که تحقیقات ویژه برای راهایی مرد تروتمند ادامه داشت، خود حمید به خواهرش تلفن زد و گفت او را آزاد کرده‌اند. حمید پس از نجات از چنگ گروگانگیران به پلیس آگاهی رفت و چگونگی وقوع حادثه را این طور شرح داد: «شب حادثه، حدود ساعت ۹ فرد ناشناسی که خودش را وکیل دادگستری معرفی‌کرد به شرکت من تلفن زد و مدعی شد درباره سوءعملکرد برخی از کارمندام اطلاعات دقیقی دارد که مایل است آنها را در محلی غیر از دفتر در اختیار قرار دهد. من که کنجکاو شده بودم، تصمیم گرفتم برای

شکست مرد ورشکسته در گروگانگیری یک میلیاردی

متهم بعد از آنکه نتوانست بدهی‌هایش را بپردازد نقشه ربودن رییس سابقش را به اجرا درآورد



دو متهم در پلیس آگاهی، یک نفر، کلاهک سبز، و دیگری، کلاهک سفید

همان شب و در مسیر ختاهم با این وکیل قرار بگذارم اما زمانی که به محل ملاقات رسیدم دو نفر، در حالی که نقاب به صورت داشتند، سوار اتومبیل شدند آنها که بی‌سیم، و اسلحه و شوکر برقی در اختیار داشتند، خود را مامور معرفی کردند و بعد از بستن دست و چشم‌هایم من را به شرکت جدا شده بود و انگیزه انتقام‌گیری را داشت. افسران صندلی عقب بردند و کاری کردند که اصلاً نمی‌توانستم حرکت کنم. آنها مرا به محل ناشناسی بردند و در حالی که چشم‌ام هنوز بسته بود از من انگشت‌نگاری کردند. آدم‌ربایان اطلاعات دقیقی از وضعیت شغلی و خانوادام داشتند و یکدیگر را با اقلی صنا می‌زدند به همین دلیل در لحظات اول تصور کردم آنها به واقع مامور هستند اما وقتی موضوع پرداخت مبلغ یک میلیارد تومان مطرح شد، فهمیدم تمامی اقدامات آنها صرفاً یک تظاهرسازی برای فریب من است.» کارآگاهان با دریافت این اطلاعات

ابلاغ حکم قصاص چشم مرد اسیدپاش

وکیل مدافع متهم: برای جلب رضایت شاکی تلاش می‌کنیم



شرق: اجرای حکم قصاص یک چشم مردی که جوانی را با اسید سوزانده است به طرفین پرونده ابلاغ شد. به گزارش خبرنگار ماه، این حکم یک هفته پیش با کمی اصلاح به تأیید رسید و قضات دیوان‌عالی کشور اعلام کردند از آنجایی که قصاص چشم با اسید ممکن نیست و احتمال دارد آسیب‌های جدی به مجرم وارد کند و او بیشتر از جرمی که مرتکب شده، مجازات شود بنابراین فقط کور کردن یک چشم او مورد تأیید قرار می‌گیرد و حکم باید بدون استفاده از اسید اجرا شود. حمید، متهم ۲۴ ساله این پرونده در سال ۸۵ جوانی به نام داود را در پارکی در مجیدیه با اسید سوزاند و باعث نابینایی یک چشم او شد. هر چند حمید در ابتدا مدعی بود که داود او را در کودکی آزار داده و باعث شده بود دیگر همکلاسی‌هایش وی را مسخره کنند، در جریان تحقیقات تکمیلی مشخص شد داود هرگز با حمید همکلاسی نبوده و متهم او را اشتباه گرفته است.

در ادامه از آنجایی که داود آسیب شدیدی بر صورتش وارد شده و بنیابی یک چشمش را نیز از دست داده به دادگاه شکایت کرد و گفت، درخواست قصاص دارد.

حوادث

شکست مرد ورشکسته در گروگانگیری یک میلیاردی

نام جواد را معرفی کرد و باعث شد او در مخفیگاهش در جنت‌آباد که محل نگهداری گروگان بود، بازداشت و از وی دو قبضه سلاح کمری اسباب بازی، دو دستگاه بی‌سیم تقلبی و یک دستگاه شوکر کشف شد. پس از آن دو متهم تحت بازجویی‌های تخصصی قرار گرفتند و «شهرام» در ادامه اعترافات خود درباره انگیزه آدم‌ربایی گفت: «حدود دو سال پیش به واسطه برخی اختلافات کاری تصمیم گرفتم با شرکت حمید قطع همکاری کنم، از آنجایی که روند کاری را تا حدودی زیادی از گروگان یاد گرفته بودم، مصمم شدم خدم یک شرکت راه بیندازم برای همین برای تأمین و بالا بردن سرمایه اولیه پول بهراه‌ای قرض گرفتم، من تصور می‌کردم در مدت کوتاهی خواهم توانست با افزایش میزان سرمایه، بدهی‌ام را تسویه کنم اما کارها آن‌گونه که فکر می‌کردم، پیش نرفت و پس از چند ماه آنقدر بدهی‌ها سنگین شد که قادر به ادامه کار نبودم و ورشکست شدم. پس از آن برای آنکه بتوانم دوباره سرمایه‌ای فراهم کنم، نقشه ربودن حمید را طراحی کردم ولی باز هم نتوانستم به هدفم برسم.» بنابر این گزارش، شهرام و همدستش در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنها هنوز به پایان نرسیده است. در همین حال سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران با اشاره به این پرونده گفت: «شهروندان باید به هشدارهای مکرر ارایه شده از سوی پلیس درخصوص ارتکب جرایم مختلف از سوی برخی افراد که خود را مامور می‌کنند، توجه جدی داشته و در زمان برخورد با شرایط مشابه در اولین مرحله اقدام به شناسایی هویت واقعی فرد مورد نظر کنند. ضمن آنکه تمام مأموران موظف به همراه داشتن حکم ماموریت و کارت شناسایی معتبر مکس دار هستند.»



داوود در جلسه دادگاه عکس، شرق

ممکن است راهکار قانونی دیگری برای جلوگیری از اجرای حکم وجود داشته باشد، گفت: وقتی حکمی در دیوان‌عالی کشور مورد تأیید قرار می‌گیرد دیگر راهکار قانونی وجود ندارد، مگر اینکه رییس قوه‌قضاییه بنابر دلایلی اجرای حکم را بگیرد یا برای اجرای حکم مواعی وجود داشته باشد. در این پرونده نیز هنوز مشخص نیست قرار است حکم را چطور و با چه کیفیتی اجرا کنند. البته ما امیدواریم تا قبل از فرارسیدن زمان اجرای حکم بتوانیم رضایت شاکی را جلب کنیم.

نگاه

ملاقات با باربد

ندا بروجنی*

■ باربد کودک سه و نیم ساله‌ای که چندی پیش در آتش قهر و غضب پدر و مادری بی‌تعهد سوخت اکنون در بیمارستان سوانح سوختگی بیمارستان مطهری می‌سوزد و با تقدیر تلخ خود می‌سازد. وقتی به دیدار باربد رفتیم ماشین اسباب بازی را برای او بردیم تا شاید در این لحظات آخر کمی شاداش کنیم، صحنه تلخی بود باربد بسیار خوشحال شد و با بیان کودکانه‌اش گفت: «ماشین را بده» اما دست‌خا‌ش باربد در آن‌بوه باندهای سپید و قهوه‌ای رنگی پیچیده بود که توان در دست گرفتن اسباب بازی دلخواهش را از او می‌گرفت، دیدن چنین صحنه‌ای یادآور مظلومیت تمامی فرشتگان زمینی است که در دست والدینی بیمار اسیر هستند: باربد، هانیه، ندا و… پس از پیگیری‌های مداوم در نهایت باربدا را در بخش ICU بیمارستان مطهری تهران یافتیم و وقتی بر بالین او حاضر شدیم، با صحنه‌های بسیار دلخراشی مواجه شدیم. کودک سه ساله، بی‌گناه و معصوم تنها به دلیل اختلافات خانوادگی در آتش خشم پدر سوخته بود. باربد با ۷۰ درصد سوختگی درحال حاضر با مرگ دست و پنجه نرم و درد زیادی در تحمل این کشتن و شکم و چار سوختگی درجه سه شده که به گفته پزشکان برای کودک بی سن و سال بسیار زیاد است. در این میان مساله‌ای که نظر همه را به خود جلب کرده، صبر و شکیبایی این کودک در مقابل تمام درد و زحری است که تحمل می‌کند. او با وجود درد زیاد سکوت می‌کند و تنها از نگاهش می‌توان درد زیادی را که می‌کشد، فهمید این میزان بردباری حتی برای پرسنل بیمارستان مطهری که روزانه با این مسایل در ارتباط هستند قابل باور نیست. مساله بسیار مهمی که باعث آزار بیشتر باربد بود، نبود مادرش بود. مادر تحمل درد کشیدن پسر را نداشت و بر بالین او حاضر نمی‌شد اما خوشبختانه با پیگیری‌ها و اصرار مددکاران مادر باربد بیش از یک هفته است بر بالین او حاضر و حال روحی باربد بهتر شده و هرازگاهی با مادرش حرف می‌زند. یکی از مشکلات دیگری که باربد با هر شخص دیگری را در چنین شرایطی آسیب‌پذیرتر می‌کند، این است که در بیمارستان‌ها افرادی که توان خرید داروهای که مشابه وطنی ندارند، بدون دارو می‌مانند و بیمار حمایت نمی‌شود که خوشبختانه هزینه‌های آنتی‌بیوتیک و پانسمان بدون درد و کلا هزینه‌های باربد توسط موسسه مهر آفرین تقبل شد. باربد سه بار تحت عمل جراحی قرار گرفته ولی با تمام این اوصاف پزشکان زنده ماندن باربد را در صورت تحقق یک معجزه ممکن می‌دانند.

■**مددکار موسسه نیکوکاری مهر آفرین**

خبر

دستبرد شبانه به خانه‌های ویلایی

■ **شرق:** دو برادر سابقه‌دار که نقشه ده‌ها فقره سرقت شبانه از خانه‌های ویلایی پایتخت را طراحی و اجرا کرده‌اند سرانجام سردی دستبند را در دستان‌شان حس کردند. دو متهم در حالی که صاحب‌خانه‌ها خواب بودند وارد منازل آنها می‌شدند و به‌طور برق‌آسا اموال موجود را غارت می‌کردند. به گزارش خبرنگار ماه، اولین پرونده انتهایی اعضای این شبکه زمانی شنوده شد که مردی نزد پلیس رفت و مدعی شد شب گذشته در حالی که همراه با اعضای خانواده‌اش در خواب بودند وسایل خاهش غارت شده است. در جریان تحقیقات درباره سرقت از این خانه ویلایی مشخص شد سارقان نیمه‌های شب از داخل پنجره وارد خانه مالباخته شده‌اند. در چنین شرایطی تجسس‌ها ادامه یافت تا اینکه مدتی بعد سرقت‌های مشابهی به پلیس گزارش شد. اغلب این سرقت‌ها از خانه‌های ویلایی که در مناطق شمال و شمال شرقی تهران واقع شده بودند، انجام‌شده بود: از این رو، یگان‌های مختلف پلیس شامل کارآگاهان پایگاه‌های یک، سه، چهار و اداره ۱۷ آگاهی تیم‌های ویژه‌ای را تشکیل دادند تا به پشت پرده دستبرد‌های شبانه به خانه‌های ویلایی پایتخت دست یابند. در این میان چند نفر از مالباختگان اعلام کردند چهره دو نفر از سارقان را دیده‌اند اما در زمان حادثه به خاطر ترس از روبرویی با آنها ترجیح دادند خود را به خواب بزنند. یکی از این افراد که مردی مسن بود در این‌باره گفت: نیمه‌های شب بود که سرو صدا من را از خواب بیدار کرد. ابتدا فکر کردم به سرم بی‌خوابی به سرش زده اما وقتی در همان حال اطرافم را نگاه کردم متوجه چند مرد غریبه شدم. وقتی آنها را مشغول جمع‌آوری وسایل خانه دیدم فهمیدم درد هستند اما چون می‌ترسیدم به خودم و خانواده‌ام آسیبی بزنند سکوت کردم و منتظر شدم تا آنها از خانه‌ام خارج شوند. با افشای این موضوع مأموران با کمک مالباختگان چهره فرضی دو نفر از تبهکاران را ترسیم کردند. این کار کلید ممعا را در اختیار پلیس گذاشت و با مقایسه تصاویر به دست آمده با تصویر مجرمان سابقه‌دار مشخص شد دو برادر به نام‌های خداعفو، ۳۲ ساله و فرامرز، ۲۸ ساله عوامل اصلی این دزدی‌ها هستند. از آنجا که سرقت‌های این باند تبهکاری فراتر از تهران بود افسران پلیس آگاهی تهران از کارآگاهان سایر استان‌ها نیز کمک گرفتند. در چنین شرایطی تحقیقات ادامه یافت تا اینکه سرانجام دو متهم در یکی از مخفی‌گاه‌هایشان در اصفهان دستگیر و تهران منتقل شدند. طبق اعترافات متهمان این اموال در ۱۱ فقره سرقت از خانه‌های ویلایی به دست آمده بود. تحقیق در رابطه با اموال کشف شده از متهمان نشان داد این اموال بیش از ۳۰۰ میلیون تومان ارزش دارد اما افزون بر آن ارزش اموال سرقت شده در تهران بیش از یک میلیارد تومان تخمین زده شد.

جنایت سیاه علیه پسر نوجوان

سه مرد شرور از آزار جنسی به قربانی‌شان فیلمبرداری کردند

این س‌دی آمده است سه مرد جوان از لحظه‌ای که پسر نوجوان را ربوندند از او فیلمبرداری کردند. آنها حتی از چند مورد اخذی خود نیز فیلمبرداری کرده‌اند. آن طور که سه مرد جوان توضیح داده‌اند و فیلم آن نیز وجود دارد آنها پسر نوجوان را از روی موتورسیکلت پایین کشیدند و با توجه به اینکه همگی زیبایی اندام گر می‌کنند و درشت هیكل هستند پس‌ر یک نتوانست در برابر آنها مقاومت کند. متهمان در ادامه، قربانی را به خانه‌ای بردند و مورد آزار قرار دادند و از تمام رفتاری‌های شنیعی که با این نوجوان داشتند، تصویر گرفتند. بعد از بازجویی اولیه پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و دو نفر از آنها در برابر هیات قضات شعبه ۷۷ به ریاست قاضی ساعی، بار دیگر پس‌ر نوجوان قاض شد. سپس متهمان به جرم‌شان توسط این پسر به پلیس شکایت کند چون وقتی پسرش را تهدید کردیم حرف ما را جدی گرفت، بـا توجه به این اعتراف‌ها

پنج قاره

اعتزافاتش گفت: من فقط برای دور کردن روح شیطانی از پسر این شربت را به او خوراندم و برای جلوگیری از تهوع وی جلوی دهانش را گرفتم. اصلاً فکر نمی‌کردم او با خوردن این شربت جان خود را از دست بدهد.

شکار جیتیای فراری

سی‌ان‌ان: یک یوزپلنگ فراری در حالی که در خیابان‌های ابوظبی پرسه می‌زد، توسط مأموران حفاظت‌از حیات‌وحش به دام افتاد. این حیوان که از شکستگی پنجه عقبی خود رنج می‌برد، در خیابان‌های ابوظبی رهسپار شد. این چیتا قبلاً در منطقه حفاظت‌شده ابوظبی نگهداری می‌شد اما از آنجا فرار کرد. بود تا اینکه بار دیگر شکار شد.

رکور دشتکشی معلولان

شین‌هوا: ۸۴ ویلچر سوار در بلژیک موفق شدند با کشیدن

ژئوفیزیک دانشگاه آمریکا، از وقوع زمین‌لرزه‌ای به قدرت ۶/۳ ریشتر در مقیاس امواج درونی زمین در اندونزی خبر داد. این زمین‌لرزه قدرتمند در ساعت ۱:۳۳ دیروز به وقت محلی «سوماترا»، اندونزی را لرزاند. مرکز این زمین‌لرزه در ۴۰۹ کیلومتری استان «بنگ لولو» و در عمق ۱۰ کیلومتری از بستر دریا اعلا و از شمار تلفات و تعداد مجروحان این زمین‌لرزه گزارشی منتشر نشده است.

فرزندکشی برای دوری از شیطان

سی‌ان‌ان: یک زن جوان برای دور کردن روح شیطانی از جسم پسر دو ساله‌اش او را کشت. این زن ۳۱ ساله به نام لاتیشا لائوسون با خوراندن شربت تهوع‌آوری از روغن زیتون و سرکه به پسر دو ساله‌اش وارد کردن ضربه به پشت گردن او باعث مرگ کودکش شد. این زن که ساکن منطقه فورت‌ون در ایالت ایندیانا آمریکااست، در